

What is she studying?	اون چی داره میخونه؟
Don't worry.	نگران نباش
What kind of books?	چه نوع کتابهایی؟
Science books	کتابهای علوم (علمی)
School teacher	معلم مدرسه
Don't forget to call Ali.	یادت نره به علی تلفن کنی
I forgot to call Ali.	یادم رفت به علی زنگ بزنم
<hr/>	
Sorry to bother you.	متاسف از زحمت دادن به شما
Do you know where the grocery store is?	آیا میدونی خواربارفروشی کجاست؟
Do you know where I can find a grocery store?	آیا شما میدونید من کجا میتونم یه خواربارفروشی پیدا کنم؟
Is there a grocery store around here?	آیا یه خواربارفروشی این اطراف هست؟
There's one around the corner.	یه دونه دور و بر نیش هست
Right around the corner	درست اطراف نیش
Right on the corner	درست سر نیش
But they told me it's on Bundy Street.	ولی بهم گفتن تو خیابون باندیه
That's a different grocery store.	اون یه خواربارفروشی متفاوته
That's on another street.	اون تو یه خیابون دیگه است
That's around the next corner	اون دور و بر نیش بعدیه
Are you sure?	مطمئنی؟
Yes, but you can ask that woman, too.	آره، ولی میتونی از اون خانم هم بپرسی
You can ask that lady.	
What does that word mean?	
Which word?	
The word lady?	
What's the meaning of it?	
It almost means the same thing as woman.	
Lady means....	
Lady	خانم
Have you invited your uncle for dinner?	عموت رو واسه شام دعوت کردی؟ (کرده ای؟)
No, I haven't.	جواب منفی کوتاه
Don't forget to call him.	یادت نره بهش تلفن کنی
I'll never forget you.	هرگز فراموشت نخواهم کرد

Don't forget to turn off the lights. Don't forget to turn the lights off.	یادت نره چراغها رو خاموش کنی
Don't forget to call your uncle.	یادت نره به عموت تلفن کنی
Can you take care of it for me? I'm busy right now.	میتونی واسم ترتیبشو بدی؟ من در حال حاضر سرم شلوغه
I want to invite my friend, too.	من میخوام دوستم رو هم دعوت کنم
We have enough food for everybody. We have too much food for two people.	ما غذای کافی واسه همه داریم واسه دو نفر زیادی غذا داریم
Can I invite your brother? There isn't enough food for my brother.	آیا میتونم برادرت رو دعوت کنم؟ غذا به اندازه کافی واسه برادرم وجود نداره
Why? Because when he's hungry, he eats too much. Because when he's hungry, he eats a lot.	چرا؟ چون وقتی گشتمش خیلی زیاد میخوره
What time did you get here? I got here about four o'clock.	چه ساعتی رسیدی اینجا؟ حدود ساعت چهار رسیدم اینجا
Did you send the letter to Ali? No, I forgot. I forgot.	نامه رو به علی فرستادی؟ نه، یادم رفت (فراموش کردم) یادم رفت
I forgot to send the letter. We forgot to call Shima. Don't forget to invite Roya, too.	یادم رفت نامه رو بفرستم یادمون رفت به شیما تلفن کنیم یادت نره رویا رو هم دعوت کنی

مکالمه

آیا کسی به من تلفن کرده؟

A: Did anybody call for me?

آره، یه خانمی حدود یه ساعت پیش تماس گرفت.

B: Yes, a lady called about an hour ago.

اسمشو یادته؟

A: Do you remember her name?

نه، متاسفم، اسمشو فراموش کردم.

B: No, I'm sorry, I forgot her name.

با خواهرم تماس گرفتی واسه دعوتش به شام؟

A: Have you called my sister to invite her for dinner?

نه، هنوز باهاش تماس نگرفتم (نگرفته ام)

B: No, I haven't called her yet.

فراموش نکنی بهش باهاش تماس بگیری لطفاً.

A: Don't forget to call her, please.

من همیشه سرم شلوغه. به همین خاطر فراموش کردم باهاش تماس بگیرم.

B: I was very busy. That's why I forgot to call her.

میتونم باهاش تماس بگیرم اگه شما خیلی سرتون شلوغه.

A: I can call her if you're too busy.

پدرتون چطور؟ میتونید باهاش تماس بگیرید؟

B: What about your father? Can you call him, too?

شمارشو ندارم. اون کجا میمونه؟

A: I don't have his number. Where's he staying?

اون اینجا میمونه در هتل هیلتون. تو باید شماره تلفن بگیری. شماره اتاقش صد و دوازده است.

B: He's staying here at the Hilton Hotel. You have to get the phone number. His room number is one hundred and twelve.

اوکی. ترتیب اون رو هم میدم. هتل هیلتون کجاست؟

A: Okay. I'll take care of that, too. Where's the Hilton Hotel?

اطراف نبشه. تو میتونی اونو برش داری یا اون میتونه پیاده بیاد اینجا.

B: It's around the corner. You can pick him up or he can walk here.

من از کسی خواستم تا برش داره. همین الان بهش زنگ میزنم، متشکرم
A: I'll ask somebody to pick him up. I'll call him right now, thanks.

Who else is coming? Your cousin's coming, too.	دیگه کی داره میاد؟ دختر داییت هم داره میاد
Your cousin goes to college, doesn't she? Yes, she does.	دختر داییت میره دانشگاه، مگه نه؟ جواب مثبت کوتاه
What does your other cousin do? She's a teacher.	دختر دایی دیگت چکار میکنه؟ اون معلمه
My other cousin is a teacher.	دختر دایی دیگم معلمه
Did you invite her, too? No, I forgot to invite her.	آیا اونم دعوت کردی؟ نه، یادم رفت دعوتش کنم
Can you take care of it, please? But I don't have her number anymore	میتونی ترتیبشو بدی لطفاً؟ ولی دیگه شمارشو ندارم
Your cousin's number. I don't have your cousin's number. I don't remember her number	شماره دختر داییت شماره دختر داییت رو ندارم شمارش یادم نمیاد
Do you have any other cousins? Yes, I have another cousin in Atlanta, too.	آیا پسر عموی دیگه ای داری؟ آره، یه پسر عموی دیگه هم در آتلانتا دارم
What's he studying? He's studying English.	اون چی داره میخونه؟ داره انگلیسی میخونه
He teaches Persian on weekends. And he's studying English.	اون آخر هفته ها فارسی درس میده و داره انگلیسی میخونه
Have you invited him, too? No, I haven't.	آیا اونم دعوت کردی؟ (کرده ای؟) جواب منفی کوتاه
Everybody Everything	همه (همه کس) همه چیز
Did you take care of everything? Yes, I took care of everything yesterday.	آیا ترتیب همه چیز و دادی؟ آره، دیروز ترتیب همه چیز و دادم
I've taken care of everything already. I took care of everything before.	من قبلاً ترتیب همه چیز و دادم (داده ام)

I've taken care of everything already.	من قبلاً ترتیب همه چیز و دادم (داده ام)
Don't worry.	نگران نباش
Don't worry, I took care of everything.	نگران نباش، من ترتیب همه چیز و دادم
You worry too much.	زیادی نگران هستی
Don't worry.	نگران نباش
I took care of everything.	ترتیب همه چیز و دادم
You should invite your other cousins, too.	تو بایستی بقیه پسرعموهات رو هم دعوت کنی
I haven't invited my brother yet.	من برادرم رو هنوز دعوت نکردم (نکرده ام)
He has a job now.	اون الان یه شغل داره
He writes books now.	الان کتاب مینویسه
What kind of books?	چه نوع کتابهایی؟
What kind of books does he write?	چه نوع کتابهایی مینویسه؟
What kind of books do you usually read?	چه نوع کتابهایی معمولاً میخونی؟
I usually read.	من معمولاً میخونم
Science books	کتابهای علمی
I usually read science books.	من معمولاً کتابهای علمی میخونم
Science teacher	معلم علوم
I like science teachers.	من معلم های علوم رو دوست دارم
My cousin studied science.	دختر عموم علوم خوانده
What did she study?	اون چی خوانده؟
She studied science.	اون علوم خوانده
Don't worry.	نگران نباش
What kind of job does she want to have?	اون میخواد چه نوع شغلی داشته باشه؟
She'll take any job.	اون هر کاری میکنه (خواهد کرد)
اون هر کاری میکنه. اون مجبوره پول دربیاره تا صورتحسابشو پرداخت کنه. She'll take any job, because she has to make money to pay her bills.	
Nobody can find a job right now.	هیچ کی نمیتونه در حال حاضر شغلی پیدا کنه
What's Ali's job?	شغل علی چیه؟
He's a school teacher.	معلم مدرسه است

Our school science teacher She's a school science teacher.	معلم علوم مدرسمون اون یه معلم علوم مدرسه است
She's taking care of everything. She took care of everything last year.	داره ترتیب همه چیز و میده ترتیب همه چیز و پارسال داد
She lives around here now.	الان دور و بر اینجا زندگی میکنه
Somebody told me. That she's moving to Iran. Somebody told me that she's moving to Iran.	یه کسی بهم گفت که داره به ایران نقل مکان میکنه یکی بهم گفت که داره به ایران نقل مکان میکنه
But not until next year	ولی نه تا سال آینده

Study
Science
Worry
Don't worry.
School
School teacher
Forget
Forgot

I'm sorry. I forgot to call you back.	متاسفم یادم رفت بهت تلفن کنم
I'm a little hungry.	یه خورده گشتمه
You should go to the coffee shop around the corner.	تو بایستی بری به کافی شاپ اطراف نبش
They have great food. Coffee shops don't usually have food.	اونها غذای عالی دارن کافی شاپ ها معمولاً غذا ندارن
I still have our pictures together. We went to school together. We had the same teachers. We studied science together. We went to college together	من هنوزم عکسامون رو با همدیگه دارم ما با هم مدرسه رفتیم معلمهامون یکی بود ما با هم علوم خوندیم ما با هم دانشگاه رفتیم
But most of them live in Iran now. We have different jobs.	ولی الان اکثرشون در ایران زندگی میکنن شغل های متفاوتی داریم

What kind of jobs do they have?	اونها چه نوع شغل هایی دارن؟
Most of them are engineers.	اکثرشون مهندس هستن
I thought they studied science.	من فکر کردم اونها علوم خوندن
My cousin's a teacher. She teaches at a school.	دختر عموم معلمه اون تو یه مدرسه درس میده
Have you invited her for dinner? Yes, I have.	آیا واسه شام دعوتش کردی؟ (کرده ای؟) جواب مثبت کوتاه
Don't worry.	نگران نباش
I took care of everything. I'll take care of everything.	ترتیب همه چیز و دادم ترتیب همه چیز و خواهم داد
Take care	مراقب باش
I forgot to buy milk.	یادم رفت شیر بخرم
How could you forget it? I don't know.	چطور تونستی فراموشش کنی؟ نمیدونم
Don't worry. I'm going to the supermarket now.	نگران نباش دارم الان میرم سوپرمارکت
This time I won't forget to buy milk.	این بار فراموش نخواهم کرد شیر بخرم
We'll see.	تا ببینیم